

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۹ جون ۲۰۱۹

(می و پیمانه)

نشستم دوش من با بلبل و پروانه در یک جا
من اندر گریه، بلبل در فغان، پروانه در سوزش
به صدق و سوزش و شوریدگی، در عشق یار خود
دل خود رأی و یک پهلوی بود، بیخود مرنجانش
ز بیم غیر، پی گم می کنم، از من مشو بددل
برای آنکه گویم هرچه در دل دارم از عشقت
بهار است، آرزو دارم که در طرّف گلستان ها
به عشقت صادقم، باور نداری، امتحانم کن
همه اسرار من را پیش جانان برد، لاهوتی

سخن گفتیم از بی مهری جانانه در یک جا
تماشا داشت حال ما سه تن دیوانه، در یک جا
من و پروانه و بلبل شدیم افسانه در یک جا
نمی گیرد به جز یاد تو، با کس لانه در یک جا
اگر بینی مرا با دلبری بیگانه در یک جا
چه می شد، می شدم گر با تو آزادانه در یک جا
من و جانانه باشیم و می و پیمانه در یک جا
ببین بخشم به راهت جان و سر را یا نه در یک جا
نمی مانم دگر با این دل دیوانه در یک جا

مسکو، اپریل ۱۹۲۸